

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در حجیت ظاهر قرآن بود؛ به کلام مرحوم ایروانی رسیدیم و کلام ایشان را نقل کردیم. ایشان اخبار اخباری ها را به 5 طایفه تقسیم می کند.

طایفه اول: روایات مربوط به تفسیر به رای

ایشان پاسخ می دهد که اولاً استفاده فقیه از آیات، تفسیر نیست بلکه ترجمه است و ثانیاً: سلمنا تفسیر باشد اما اگر فقیه به شارع نسبت ندهد این که تفسیر به رای نیست.

استاد علیدوست: ما نمی توانیم با مرحوم ایروانی همراه شویم چرا که می دانیم مراجعه فقیه به قرآن واستنباط از آیات ترجمه نیست؛ مثلاً اوفوا بالعقود را وقتی فقیه می بیند اطلاق گیری و... می کند این که ترجمه نیست.

نکته دوم: مرحوم ایروانی فرمود فقیه مفاد را به شارع نسبت نمی دهد و لذا تفسیر به رای نیست. ما می گوئیم اگر مراد ما کشف واقع از اجتهاد باشد در این صورت فقیه باید به صورت دقیق، واقع قضیه را بیان کند نمی تواند بدون نسبت به شارع مطلبی را بیان کند و ثانیاً: فقیه حق ندارد هر برداشتی را از آیات بکند و بعد بگوید من که این را انتساب به شارع ندادم.

استاد علیدوست: به نظر می رسد همان جواب دوم مرحوم آخوند، مناسب این اشکال اخباری ها بود؛ ایشان فرمود فقیه بعد از فحص از مخصص و مقید و... مطلبی را که بیان می کند تفسیر به رای نمی باشد.

طایفه دوم: روایاتی که گوید قرآن نهاد خاصی برای تفسیر دارد؛ ولذا بدون مراجعه به ائمه نباید به قرآن رجوع کرد.

مرحوم آخوند جواب داد: حد این روایات این است که قبل از تفسیر به روایات ائمه هم رجوع شود.

مرحوم ایروانی: این روایات مانند روایات من فسر القرآن برایه فلیتبتوا مقده فی النار است و لذا امام فقط باب تفسیر را می گوید نه باب استنباط.

استاد علیدوست: با جواب مرحوم ایروانی نمی شود همراهی کرد چرا که در کجای این روایات آمده فقط تفسیر مراد است نه استنباط.

به نظر می رسد مرحوم ایروانی به روایت قتاده نگاه کرده که در آن روایت واژه تفسره آمده است؛ اما به نظر ما در همان روایت هم حضرت نظر به معرفت قرآن داشتند نه فقط تفسیر قرآن و لذا جواب ایروانی به اخباریین صحیح به نظر نمی رسد.

از جمله کسانی که در اینجا (اخبار انما يعرف القرآن من خوطب به) توقف کرده است مرحوم شهید صدر است. ایشان صدور این روایات را زیر سوال می برد و می فرماید اولاً این روایات از نظر سند مشکل دارد و ثانیاً: بر فرض که سند داشته باشد اما

همه این روایات یک زبان دارد و می فرماید: مردم قرآن لایه دار است و فهمش کار هر کس نیست؛ اما در پشت این روایات

فکری بوده است تا مردم را از مراجعه به قرآن دور کنند و با حساب احتمالات اگر ما پیش برویم صدور این روایات مشکل می شود.

مقابل این جریان (لایه دار کردن متون دینی) جریان (ساده کردن متون دینی) است.

نکته: هر مساله ی یک حد از بیان می خواهد مثلاً اکثر مسائل یک روایت هم داشته باشد کافی است مثل اینکه یک روایت بگوید

برادر مادری هم ارث می برد، اما برخی مسائل هست که برای اثباتش یک روایت کافی نیست مثل: همه جا سیره این بوده که

معاطاتی معامله می کردند و لذا اگر اسلام می خواست این سیره ردع شود باید چند حدیث می آورد تا این را ردع کند.

مثال: در برخی روایات داریم که اگر کسی گناهی کرد و دوبار حد خورد برای بار سوم باید کشته شود البته برخی گفته اند برای

بار چهارم باید کشته شود.

دلیل این مطلب: یک روایت صحیح السند است؛ اما مرحوم سید احمد خوانساری فرمود با یک روایت نمی شود خون مردم را ریخت. ما از این به کفایت بیان یاد کرده ایم.

طایفه سوم: نباید متشابهات قرآن را عمل کرد و اخذ به ظواهر اخذ به متشابه است.

مرحوم ایروانی: این اشکال را قبول می کند.

طایفه چهارم: تمسک به قرآن نکنید چون احتمال نسخ و تخصیص و... می رود.

مرحوم ایروانی: این اشکال را هم می پذیرد.

طایفه: پنجم روایات تحریف است.

مرحوم ایروانی: این را هم می پذیرد.

الحمد لله رب العالمین